



انقلاب اسلامی؛ ظهور مرزهای تمدنی به جای مرزهای جغرافیایی

این‌که هانتینگتون -مشاور کاخ سفید- می‌گوید «جنگ تمدن‌ها»؛ در واقع، جنگ نیست؛ بلکه مسابقه است اما آن‌ها می‌خواهند مسابقه را به جنگ تبدیل کنند تا قدرت‌های استکباری در سرکوبی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها موفق شوند و در نتیجه، تمدن و فرهنگ استکبار بر دنیا حاکم شود.

دین، یک مسیر بسیار سریع و تند است. اکنون، عصر ارتباطات است و مرزهای جغرافیایی کشورها از بین رفته و آنچه در دنیا مطرح است، مرزهای فرهنگی اقوام و ملل دنیا است؛ وقتی همه‌ی فرهنگ‌ها در دسترس مردم جهان قرار بگیرند، دنیا، میدان مسابقه‌ی فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها است.

«مسئله‌ی اقتدار دین و اقتدار اسلام، در رأس همه‌ی دستاوردهای انقلاب قرار دارد؛ یعنی حاکمیت قدرت دین بر همه‌ی معادلات تنظیم‌شده از طرف استکبار جهانی. هرکس آینده‌ی انقلاب را در یک چیز می‌بیند اما آنچه انقلابی‌ها برای آن انقلاب کردند که توسعه‌ی دین بود؛ آینده‌ی انقلاب از نظر قدرت و جهانی‌شدن

تنها مدیریت جهادی قابل قبول است

«مردم، دیگر مدیریت‌های کلاسیک را قبول نمی‌کنند؛ بلکه به دنبال مدیریت جهادی هستند و مدیری در جامعه پذیرفته خواهد شد که جهادی عمل کند.

.....ادامه مطلب صفحه ۶

اسلام، قوی‌ترین ایدئولوژی در دنیا

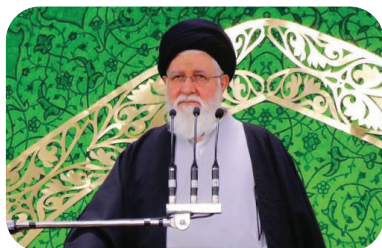
«با توسعه‌ی ارتباطات، تمدن‌ها در دسترس همه‌ی جهانیان قرار می‌گیرند و در این مسابقه‌ی فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها، برنده‌ی مسابقه اسلام است.

.....ادامه مطلب صفحه ۵

حضور خدا در سه ساحت وجود انسان

«خداخواهی اصل حاکم بر وجود انسان است و در سه ساحت از ساحت‌های وجود انسان ظهور دارد؛ ساحت‌های آرزو، امید و لقاء.

.....ادامه مطلب صفحه ۳



«**خطبه اول:** الحمد لله المتفرد بالكبريا و اشهد انه المتوحد بتدبير الارض و السماء و اشهد ان محمداً رحمة للورا و اكمل الكملا و افضل السفرا و خاتم الانبيا و اشهد ان اميرالمومنين على ابن ابيطالب و اولاده المعصومين هم

المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى.

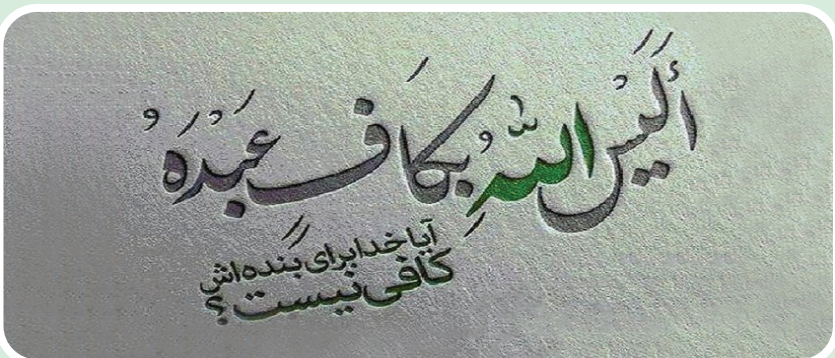
اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المومنين و المومنات فى مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما احصاه كتابه و احاط به علمه.

اللهم انا نجدد له فى هذا اليوم و فى كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له فى رقابنا. اللهم كما

شرفتنا بهذا التشريف و فضّلنا بهذه الفضيلة و خصّصتنا بهذه النعمة فصل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من انصاره و اعوانه و الدايين عنه و المستشهدين بين يديه طائعين غير مكرهين فى صف الذى نعت أهله فى كتابك كانهم بنيان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم السلام. اللهم هذه بيعة له فى اعناقنا الى يوم القيامة.

عباد الله! اوصيكم و اوصى نفسى بتقوى الله همى شما برادران و خواهران و خودم را به تقواى الهى سفارش مى كنم.

خداخواهی؛ اصل مشترک در همه‌ی انسان‌ها



«کلام ما در خطبه‌ی اول پیرامون تقواى عملی بود و سخن امروز ما در مورد نتیجه‌ی آن است. تقواى عملی صرف‌نظر از اینکه در مجموعه‌ی جریان رفتارى انسان موضوعیت دارد، در تکامل معنوی بشر نقش اول را ایفا می‌کند یا به تعبیر دیگر، اصالت در کمال بندگی و عبودیت ما، نتیجه‌ی تقواى عملی است. خداخواهی، اصل مشترکی است که بر همه‌ی انسان‌ها چه بدانند و چه ندانند- حاکم است؛ بشر چه کافر و چه مسلمان- محکوم به اصل خداخواهی است و خدا را می‌خواهد.

دلیل اینکه خداخواهی در انسان یک اصل است و حتی کسانی که خداپاوار نیستند، ندانسته خدا را می‌خواهند، این است که انسان پس از رسیدن به هر کدام از خواسته‌های خود، آرام نمی‌گیرد؛ انسانی که به دنبال پول و ثروت است و گرایش او به مادیات است، آن زمانی که به اوج پول و ثروت می‌رسد، باز آرامش دل ندارد؛ دل انسان با پول و ثروت آرام نمی‌گیرد. آن انسانی که به دنبال قدرت و مقام است، گمان می‌کند اگر یک روز به مقامی رسید، به آرزوی خویش رسیده‌است؛ ولی در آن هنگام نیز دلش آرام ندارد. دل، دنبال بالاتر از اینها است؛ دل، دنبال یک گم‌کرده است؛ دل به دنبال یک واقعیت غیراز این چیزهایی است

به همین دلیل، خدا را «الله» می‌گوییم؛ «إله» یعنی معبود و یعنی حقیقتی که مورد اشتیاق همه‌ی موجودات و همه‌ی عناصر وجود قرار گرفته‌است.

که درک کرده‌است. این دلالت بر این می‌کند که خواسته‌ی اصلی انسان، یک واقعیت دیگر است و آن خدا است و تا به خدا نرسیم، دلمان آرام نمی‌گیرد.^۱

«الله» کلمه‌ای است که متشکل از «ال» و «إله» است^۲، «ال» که الف و لام معرفه است و عمدۀ معنای کلمه‌ی «الله» در معنای «إله» است. «إله» بر وزن فعال به معنای مألوه است^۳؛ الذین یألّهون ای یشتاقون^۴؛ «اله» به معنای آن واقعیتی است که مورد اشتیاق است؛ اشتیاقی که وقتی انسان مشتاق او شد، همه‌ی خواسته‌های خود را برای رسیدن به او قربانی و فدایی می‌کند؛ آن مورد اشتیاقی که انسان در مقام رسیدن به او آن قدر اشتیاق دارد که هیچ خواسته و گرایشی در مقابل این اشتیاق نمی‌ماند و آن، ذات مقدس پروردگار است.

۱. از ظاهر الفاظ آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» انحصار فهمیده می‌شود، چون متعلق فعل، یعنی «بذكر الله» بر خود فعل یعنی «تطمئن» مقدم آمده؛ در نتیجه می‌فهماند که دل‌ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی‌یابد. ... پس تنها به یاد او دل‌ها آرامش می‌یابد و اگر دلی به یاد غیر او آرامش یابد، دلی است که از حقیقت حال خود غافل است و اگر متوجه وضع خود بشود بدون درنگ دچار رعشه و اضطراب می‌گردد. (ترجمه تفسیر المیزان؛ علامه طباطبائی؛ ج ۱۱، ص ۴۸۷).

۲. المفردات فی غریب القرآن؛ راغب اصفهانی؛ ج ۱، ص ۲۱.
۳. المیزان فی تفسیر القرآن؛ علامه طباطبائی؛ ج ۱، ص ۱۸.
۴. مجمع البحرین؛ فخر الدین طریحی نجفی؛ ج ۱، ص ۹۵.

حضور خدا در سه ساحت وجود انسان

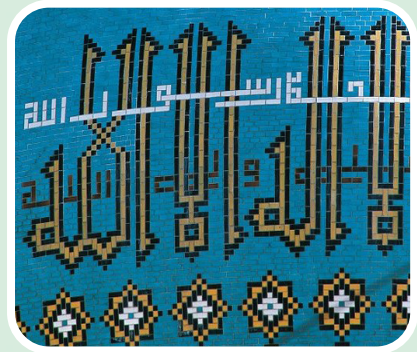
صالح انجام می‌دهد تا به لقاءالله برسد، وقتی که به لقاءالله رسید آنجا جایی است که دیگر از هر نقطه‌ای و هر هسته‌ای و هر لحظه‌ای از لحظات وجودش در ارتباط با خدا لذت می‌برد و جز ارتباط با خدا هیچ لذت دیگری در زندگی برای او جذاب نیست.

«یا من أذاق أحبائه حلاوة المؤانسة فقاموا بين يديه متملقين»؛^۴ ای خدایی که شیرینی انس با خودت را به عاشقانت چشاندی و آن‌ها نیز با تو در نیمه‌های شب -مخصوصاً در این لحظات پر برکت ماه مبارک رجب- حرف می‌زنند و با تو انس می‌گیرند و تو را عبادت می‌کنند. وجود مقدس امیرالمؤمنین (ع) وقتی از شدت فعالیت‌های روزانه خسته است و می‌خواهد در نیمه‌های شب آرامش بیابد، با معبود خودش خلوت می‌کند؛ چون جایی است که دیگر رگه‌های ارتباطی مولا با غیر خدا قطع شده‌است و خلوتکده و خلوتگاهی پیدا شده‌است که فقط او است و خدای خودش؛ لذا آن مناجات عظیم و عجیب امیرالمؤمنین (ع) در نیمه‌ی شب، تصویر لقاءالله است.

فردی به منزل صدیقه‌ی اطهر (س) آمد و در زد و عرض کرد «ای خانم! به شما تسلیت عرض می‌کنم چون شوهر شما از دنیا رفت.» حضرت فرمود «یعنی چه؟» آن شخص گفت «من شاهد بودم که علی در نخلستان مشغول عبادت بود که یک‌مرتبه صیحه‌ای زد و بی‌جان،

يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۳؛ ای پیامبر! به مردم بگو آن که همه‌ی شما مشتاق او هستید، یکی است و همه مشتاق یک حقیقت هستید؛ «أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ»؛ معبود شما یک معبود است و این‌طور نیست که شما خواسته‌های متنوع و متعدد داشته باشید. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا»؛ اگر از بستر آرزو خارج شدید و در بستر امید به لقاء او قرار گرفتید، باید عمل صالح انجام دهید. تقوای عملی همان «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» است. وقتی شما در ساحت امید به لقاءالله قرار گرفتید، باید عمل صالح انجام دهید و این همان تقوای عملی است که شما را به لقاءالله می‌رساند.

همه آرزو دارند به پول، ثروت و... برسند؛ اما این آرزو تا وقتی در بستر امید قرار نگیرد، نتیجه نمی‌دهد. برای یک کشاورز، امید به برداشت محصول این است که زمین را شخم می‌زند، بذر در زمین می‌کارد، بذر کاشته شده را آبیاری می‌کند و خودش نیز می‌داند که تا این کارها را انجام ندهد، این امید به نتیجه نمی‌رسد. آرزوی لقاءالله و امید به لقاءالله هم همین است، انسان اگر از بستر آرزو خارج شد و در بستر امید به لقاءالله قرار گرفت، آن وقت «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا». مثل آن کشاورزی که زمین را شخم می‌زند و بذر می‌کارد، این شخص نیز به دنبال عمل صالح است؛ عمل



«خداخواهی اصل حاکم بر وجود انسان است و در سه ساحت از ساحات وجود انسان ظهور دارد؛ ساحت‌های آرزو، امید و لقاء. خدا در ساحت آرزوی همه قرار دارد و آرزوی خدا و رسیدن به او را دارند؛ اما گاهی یک فرد این آرزو را درک می‌کند و می‌فهمد و گاهی اوقات، برحسب باوری انحرافی، این آرزو درک نمی‌شود؛ اما این آرزو از درون جان این افراد زبانه می‌کشد و به همین دلیل، به هر چه برسند قانع نمی‌شوند و آرام نمی‌گیرند.

در دعای روزانه‌ی ماه رجب می‌خوانیم، «و نیلک متاح للآملین»؛^۱ خدایا! رسیدن به تو برای آرزومندان، آماده است. آنها که آرزو دارند به تو برسند، راه برایشان باز است. اما ساحت آرزو مهم نیست؛ آن که مهم است و انسان را به لقاءالله می‌رساند ساحت امید است؛ انسان به وسیله‌ی تقوای عملی، در ساحت امید تا مرحله‌ی لقاءالله^۲ پیش می‌رود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا



ای که برای هر خیری به او امید دارم

فرا رسیدن ماه رجب تهنیت باد



بی‌حس و بی‌رمق، نقش زمین گشت و از دنیا رفت.» صدیقه‌ی اطهر فرمودند «ای مرد! اگر تو این را مرگ می‌گویی، علی شبی چند بار می‌میرد و زنده می‌شود.»^۵ او در مقام لقاءالله و در بستر لقاءالله قرار گرفته‌است؛ ارتباط با خدا چنین حالتی را برای انسان ایجاد می‌کند. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» شما که در بستر امید به لقاءالله هستید، «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» از بستر آرزو خارج شوید و عمل کنید؛ اگر تقوای عملی در عرصه‌ی زندگی داشتید، مسیر لقاءالله را طی می‌کنید و در بستر لقاءالله قرار خواهید گرفت.^۶

خدایا! به عزت اولیائت شرایط و موقعیت لقاءالله را به همه‌ی ما عنایت بفرما. پروردگارا! نقطه‌ی کمال عبودیت خودت برای مردم و جامعه‌ی ما، نقطه‌ی فرج و ظهور مولاایمان بقیه‌الله است؛ آن را تعجیل فرما. خدایا! ارواح مطهره‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از همه‌ی برکات و ادعیه‌ی خیر ما بهره‌مند بگردان و سایه‌ی پربرکت مقام

مطلوب؛ یعنی لقای خاص، بزرگ‌ترین آرمان انسان است و در پرتو آن، علاوه بر آن که حضور خداوند را درک می‌کند، او را مشاهده نیز خواهد کرد و در جوار او از سرور و لذتی ابدی و بی‌نهایت برخوردار می‌گردد؛ برای کسانی که از مشاهده خداوند و جوار او محرومند سخت‌ترین عذاب خواهد بود. (لقای الهی؛ آیت الله محمد تقی مصباح یزدی/ کریم سبحانی؛ ص ۹۱).
۳. سوره‌ی مبارکه‌ی کهف؛ آیه ۱۱۰.
۴. إقبال الأعمال؛ سید بن طاووس؛ ج ۱، ص ۳۴۹.
۵. رک: الأمالی؛ شیخ صدوق؛ ص ۱۳۷.
۶. جهت تفصیل بیشتر پیرامون لقاءالله به رساله‌ی لقاءالله مرحوم عارف بالله، حاج میرزا جواد تبریزی رجوع شود.
۷. ماه رگبار رحمت خدا.

معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار. خدایا! نیمی از ماه رجب گذشت، در نیمه‌ی باقی این ماه، همه‌ی ما را از فیوضات و برکات و رحمت‌های شهرالله الاصب^۷ بهره‌مند بفرما.

۱. إقبال الأعمال؛ سید بن طاووس؛ ج ۲، ص ۶۴۳.
۲. واژه‌های «لقا» و «ملاقات» در قرآن ناظر به ملاقات عمومی خداوند است و مدلول آیات در بردارنده این واژه‌ها این است که همه مردم با ورود به عالم آخرت حضور خداوند را درک خواهند کرد. مسلماً این درک، ذهنی و در چارچوب مفاهیم نیست، بلکه به معنای شهود و درک حضوری خداوند است. این لقا برای همه اهل آخرت لذت‌بخش نیست، بلکه از آن رو که لقای

«خطبه دوم: عبادالله! اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله

همه‌ی شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

علی؛ شیرین‌ترین اسم عالم

گرفت و خودش را به همسرش رساند، نوزاد خویش را روی دست گرفت و در روایت آمده که هاتفی گفت «خصمتما بالولد الزکی و الطاهر المنتجب الرضی و إسمه من شامخ علی، علی اشتهق من العلی»؛ لذت‌بخش‌ترین اسم‌های دنیا علی است، از علی شیرین‌تر اسمی وجود ندارد.

جناب ابیطالب (ع) قنداقه را به دست گرفت؛ در همین حال پیامبر اکرم (ص) وارد مسجدالحرام شدند و قنداقه‌ی مولا را به دست گرفتند. به محض اینکه قنداقه روی دست پیامبر قرار گرفت، مولا چشم به‌صورت پیغمبر گشود و اول جمالی که دید، جمال آسمانی رسول الله (ص) بود.

شکافته شد، این خانم وارد دیوار شد و دیوار به هم آمد؛ جمعیت حاضر در اطراف حرم هجوم آوردند تا در کعبه را باز کنند و ببینند در داخل کعبه چه شد و بر سر این خانم چه آمده‌است اما در باز نشد! مردم مکه سه شبانه‌روز کعبه را محاصره کرده بودند و کسی قدرت ورود به داخل آن را نداشت؛ کسی در شهر نمانده بود مگر این‌که به مسجدالحرام آمد برای این‌که بداند در داخل کعبه چه اتفاقی افتاده‌است.

در روزی مانند امروز همان نقطه از دیوار کعبه شکافته شد و فاطمه بنت اسد در حالی که نوزادی به روی دست داشت، از میان کعبه بیرون آمد؛ جناب ابیطالب (ع) از همه پیشی



«امروز شانزدهم رجب است؛ یعنی روزی که حضرت فاطمه بنت اسد در حالی که قنداقه‌ی مولا امیرالمؤمنین (ع) را روی دست داشت، از داخل کعبه بیرون آمد. در شرایطی که ایشان دچار درد زایمان شده و با دستانش پرده‌ی کعبه را گرفته‌است، صدای انفجاری در فضای کعبه طنین انداخت و رکن مستجار^۱

مسجدالحرام اتفاق افتاد و امروز برای شیعیان، روز بزرگ و با عظمتی است که معجزه‌ی وجود امیرالمؤمنین (ع) در آن ظاهر گشت.

۱. آن قسمت از دیوار کعبه که بین رکن شامی و یمانی است مستجار نامیده می‌شود. مستجار به معنی پناه بردن است. زمانی که خانه‌ی کعبه دارای دو در بوده، در دیگر آن کنار مستجار قرار داشته است. مستجار از مکان‌های استجابت دعا است و محلی است که مردم به آن پناهنده می‌شوند. (میعاد نور؛ محسن شریعت، ص ۱۹۰).

۲. مناقب آل ابی طالب؛ ابن شهر آشوب؛ ج ۲، ص ۱۷۵.

لب‌های کودک گشوده شد و نوزاد تازه به دنیا آمده، شروع به قرائت سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون کرد و تا آیه‌ی دهم این سوره را خواند؛ علی‌الظاهر هنوز پیامبر (ص) مبعوث به رسالت نشدند و قرآن به رسول‌الله (ص) نازل نشده بود و پیامبر (ص) قرآن را در آن نزول بسته‌ی خودش بر کسی قرائت نکرده؛ اما آیاتی از سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون بر زبان امیرالمؤمنین (ع) جریان پیدا کرد.^۲ این معجزات، روز شانزدهم ماه رجب در



» انقلاب اسلامی؛ ظهور مرزهای تمدنی به جای مرزهای جغرافیایی



«بنده دو هفته پیش به مناسبت آغاز دهه‌ی فجر عرض کردم که نسل‌های امروز ما نسبت به انقلاب چهار سؤال دارند؛ سه سؤال را در دو هفته بحث کردیم، سؤال چهارم باقی ماند؛ سؤال اول این بود که «چرا انقلاب کردیم؟»، سؤال دوم این که «چگونه انقلاب شد؟»، سؤال سوم این که «دستاوردهای انقلاب چیست؟» و سؤال چهارم، «آینده این انقلاب به کجا می‌رود؟». پیرو بحث هفته‌ی پیش، پیرامون دستاوردهای انقلاب باید عرض کرد که مسئله‌ی اقتدار دین و اقتدار اسلام، در رأس همه‌ی دستاوردهای انقلاب قرار دارد؛ یعنی حاکمیت قدرت دین بر همه‌ی معادلات تنظیم شده از طرف استکبار جهانی.

هرکس آینده‌ی انقلاب را در یک چیز می‌بیند اما آنچه انقلابی‌ها برای آن انقلاب کردند که توسعه‌ی دین بود؛ آینده‌ی انقلاب از نظر قدرت و جهانی‌شدن دین، یک مسیر بسیار سریع و تند است. اکنون، عصر

ارتباطات است و مرزهای جغرافیایی کشورها از بین رفته و آنچه در دنیا مطرح است، مرزهای فرهنگی اقوام و ملل دنیا است؛ وقتی همه‌ی فرهنگ‌ها در دسترس مردم جهان قرار بگیرند، دنیا، میدان مسابقه‌ی فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها است.

این که هانتینگتون -مشاور کاخ سفید- می‌گوید «جنگ تمدن‌ها»^۱؛ در واقع، جنگ نیست؛ بلکه مسابقه است اما آن‌ها می‌خواهند مسابقه را به جنگ تبدیل کنند تا قدرت‌های

۱. نظریه‌ی جنگ تمدن‌ها یا همان برخورد تمدن‌ها ازجمله نظریه‌های دانشمند آمریکایی به نام ساموئل هانتینگتون است. به نظر هانتینگتون، در برتری بر جهان، فرهنگ‌ها و جوامع، هیچ عاملی به اندازه‌ی فرهنگ و تمدن، کارآمد و تعیین کننده نیست (مجموعه آثار پنجمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت؛ ج ۱، ص ۱۴۵).

» اسلام، قوی‌ترین ایدئولوژی در دنیا

این که به درک برود، در همایشی که دانشگاه لیون فرانسه^۲ ترتیب داد، گفت قرن ۲۱، قرن زور نیست که ناوگان اقیانوس پیما تعیین قدرت و برتری کند، قرن پول هم نیست که بورس و بانک‌های متراکم از میلیاردها دلار،

«با توسعه‌ی ارتباطات، تمدن‌ها در دسترس همه‌ی جهانیان قرار می‌گیرند و در این مسابقه‌ی فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها، برنده‌ی مسابقه اسلام است. اسحاق رابین^۱ ملعون، شش ماه قبل از



انقلاب، توسعه‌ی اسلام و جهانی‌شدن اسلام به‌وسیله‌ی این انقلاب رخ می‌دهد و به همین دلیل، مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم، نهایت گام دوم را ظهور ولایت عظمی معرفی کردند که آخر گام دوم است.^۳

۱. اسحاق رابین (۱۹۲۲ - ۱۹۹۵)؛ سیاست‌مدار و ژنرال نظامی اسرائیلی بود. وی پنجمین نخست‌وزیر سرزمین‌های اشغالی بود. او به دست جوانی ۲۵ ساله در شهر تل‌آویو ترور شد و تنها نخست‌وزیر این رژیم غاصب است که ترور شده‌است.

۲. دانشگاه مرکزی لیون کلود برنارد به عنوان یکی از معتبرترین دانشگاه‌های فرانسه به‌شمار می‌رود که در سال ۱۹۷۱ در شهر لیون تأسیس گردیده‌است.

۳. عزیزان! نادانسته‌ها را جز باتجربگی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازمندی و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید. (فرازی از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی).



فطرت بشر تطبیق می‌کند، ایدئولوژی اسلام است و این ایدئولوژی و فرهنگ مورد پذیرش همه‌ی جهانیان قرار خواهد گرفت؛ چون با فطرت انسان‌ها منطبق است، بنابراین قرن ۲۱، قرن سیادت و آقایی اسلام است. برادران و خواهرانی که در نسل چهارم و پنجم انقلاب چشم باز کردید! آینده‌ی

تعیین قدرت و برتری کند، بلکه قرن ۲۱، قرن فرهنگ و ایدئولوژی است و قوی‌ترین ایدئولوژی‌ها، ایدئولوژی اسلام است. [افحوی کلام او این است] که به غرب گفت اگر می‌خواهید آقایی غرب را در قرن ۲۱ حفظ کنید، باید اسلام را نابود کنید؛ چون تنها ایدئولوژی که در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با



همه‌ی این‌ها، زمینه‌ی ظهور امام زمان (عج) است؛ همه‌ی این‌ها در دنیا این زمینه را فراهم می‌کند که آقا تشریف بیاورند و این انقلاب، سکوی حرکت و فرج مولایمان حضرت بقیه‌الله قرار گیرد.

خدایا! به عزت اولیائت، روز ظهور مولایمان را تعجیل بفرما. به محبوبیتی که اهل بیت پیامبر در درگاه تو دارند، چشمان رمق‌دیده‌ی ما را هر چه زودتر به جمال مولایمان بقیه‌الله روشن بفرما.

تنها مدیریت جهادی برای مردم، قابل قبول است

ما است، حذف همه‌ی رانت‌ها و از بین رفتن همه‌ی افزون‌خواهی‌ها و زیاده‌طلبی‌ها است؛ مردم عدالت می‌خواهند و از این رو در آینده جامعه ما عدالت حاکم خواهد بود.

خاصیت سیاسی که جامعه‌ی ما در آینده دارد، «توسعه‌ی مقاومت» است؛ مردم ما مقاوم شده‌اند و هر روز مقاوم‌تر می‌شوند. هشت سال دفاع مقدس مردم ما را مقاوم کرد؛ مقاومت تا جایی که دشمن را تا ۱۰ متری مرز اسرائیل عقب راند و رزمندگان ما اکنون آنجا ایستاده‌اند و با استکبار می‌جنگند؛ مقاومت تا اینجا پیش رفت.

در تمام این مدت، تحریم‌ها و حصرهای اقتصادی، مردم ما را مقاوم پرورش داد و الان در برابر فراز و نشیب اقتصادی، مقاوم هستند. مقاومت مردم ما در استکبارستیزی، تضمین‌کننده و رقم‌زننده‌ی عرصه‌ی سیاسی زندگی اجتماعی ما در این کشور خواهد بود.^۱

انقلاب به مسیری می‌رود که مردم، دیگر مدیریت‌های کلاسیک را قبول نمی‌کنند؛ بلکه به دنبال مدیریت جهادی هستند و مدیری در جامعه پذیرفته خواهد شد که جهادی عمل کند و جهادی مدیریت کند؛ یعنی این‌طور نیست که فقط مدیریت‌های کلاسیک مبتنی بر تزویر، شیطنت، گول زدن و فریب دادن یا بعضی از آموزه‌های کلاسیک بخواهد مدیر برای ما خلق کند؛ بلکه مدیر، مدیر جهادی است که با عمل جهادی برای ما پذیرفته می‌شود و فرهنگ اجتماعی و سیاسی ما به سمت «مدیریت جهادی» پیش می‌رود.

آینده‌ی زندگی ما در این کشور، «توسعه‌ی عدالت» است؛ یعنی افزون‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و ویژه‌خواهی‌ها منغور مردم می‌شود؛ میدان اقتصاد در کشور و جامعه‌ی ما، میدان توسعه و گسترش عدالت خواهد بود؛ زیرا که آنچه مردم می‌طلبند و مطلوب جامعه‌ی



نخستین دوره‌ی آموزشی بدو امامت

نخستین دوره‌ی آموزشی «بدو امامت» برای ۶۰ نفر از ائمه‌ی جماعات جدیدالانتصاب و جوان سطح شهر مشهد مقدس در مسجد شهدای شهرداری منطقه شهید آیت‌الله مفتاح مرکز رسیدگی به امور مساجد استان‌های خراسان برگزار شد. بررسی جایگاه تمدنی مسجد، بررسی مولفه‌های مسجد تراز انقلاب اسلامی، آشنایی با ارکان و تشکلهای مسجد، فقه امامت، مهارت‌های مدیریت مالی و حقوقی، حل اختلاف، ارتباط موثر و تبلیغ در مسجد، از جمله سرفصل‌های این دوره‌ی آموزشی بود که روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن‌ماه برگزار شد.



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان‌های خراسان
masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان



سایت آیت‌الله علم‌الهدی
alamolhoda.com

مشهدالرضا(ع)؛ خیابان امام رضا(ع)؛ امام رضا ۹؛ مسجد رانندگان؛ ساختمان شماره ۲ مرکز رسیدگی به امور مساجد استان‌های خراسان